



انتظار، منطق دینی آمادگی تاریخی برای آینده موعود

انتظار را «منطق دینی آمادگی تاریخی برای آینده موعود» می نامیم؛ منطقی که در آن، آینده فقط موضوع دعا و آرزو نیست، بلکه افقی برای تربیت انسان، اصلاح جامعه و جهت دهی به حرکت تاریخی است.

انتظار را «منطق دینی آمادگی تاریخی برای آینده موعود» می نامیم؛ منطقی که در آن، آینده فقط موضوع دعا و آرزو نیست، بلکه افقی برای تربیت انسان، اصلاح جامعه و جهت دهی به حرکت تاریخی است.

یادداشت مهمان رحیم کارگر، استاد مرکز تخصصی مهدویت و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی- پژوهشکده آینده پژوهی و مهدویت: در جمع بندی و نتیجه گیری یادداشت های گذشته می توان به این ایده روشن رسید که: انتظار در اندیشه مهدویت، نحوه ای از فعال بودن و مسئولانه زیستن در نسبت با آینده مطلوب است که در آن انسان منتظر می کوشد شخصیت، رفتار و محیط اجتماعی خود را با ارزش های آن آینده هماهنگ سازد. از همین رو، انتظار را باید در پیوند با ایمان، عمل، خودسازی و آمادگی و... فهم کرد.

قرآن کریم در بیان وعده استخلاف مؤمنان در زمین، ایمان و عمل صالح را در کنار یکدیگر قرار می دهد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (نور: ۵۵). این آیه نشان می دهد که آینده مطلوب قرآنی با وضعیت اخلاقی و عملی انسان و جامعه مؤمن بی ارتباط نیست. آینده در منطق قرآن، با ایمان و عمل صالح و امیدوار بودن به آینده و تحقق وعده الهی نسبتی بنیادین دارد.

در روایات مهدوی نیز همین پیوند دیده می شود. امام صادق (ع) می فرماید: «مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ»؛ هرکس خشنود می شود که از یاران قائم باشد، باید انتظار بکشد و در دوران انتظار به تقوا و نیکویی های اخلاقی عمل کند (الغیبة نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶). بنابراین انتظار حقیقی، صرفاً یک حالت عاطفی یا ذهنی نیست؛ انتظار باید انسان را تغییر دهد.

بر این اساس، دوران غیبت را می توان عرصه آمادگی و ظرفیت سازی برای آینده موعود دانست. منتظر، در این دوران خود را می سازد، خانواده را کانون محبت و کرامت می کند، نسل آینده را با امید و معرفت تربیت می کند، در اصلاح جامعه مشارکت می ورزد، دانش و آگاهی خود را افزایش می دهد و نسبت به ظلم، تبعیض و فساد بی تفاوت نمی ماند. انتظار همچنین بدون پیوند معنوی با خدا و امام، به فعالیتی صرفاً اجتماعی فروکاسته می شود؛ بنابراین، معنویت و معرفت امام، قلب این فرایند آمادگی است.

از این منظر، انتظار یک فرایند چندلایه است که از خودسازی آغاز می شود و به خانواده سازی، نسل سازی، جامعه سازی، فرهنگ سازی، عدالت خواهی و در نهایت تمدن سازی امتداد می یابد. در واقع اینجاست که انتظار از یک «چشم به راهی منفعل» به یک منطق فعال برای آینده سازی تبدیل می شود. اگر آینده موعود، آینده عدالت است، باید عدالت را از امروز تمرین کرد؛ اگر آینده، آینده کرامت انسان است، باید کرامت را در خانواده و جامعه پاس داشت؛ اگر آینده، آینده علم و آگاهی است، باید دانایی و توانایی تولید کرد؛ و اگر آینده، آینده توحید و معنویت است، باید رابطه با خدا و امام را در زندگی امروز عمیق تر ساخت.

از این رو، می توان انتظار را «منطق دینی آمادگی تاریخی برای آینده موعود» نامید؛ منطقی که در آن، آینده فقط موضوع دعا و آرزو نیست، بلکه افقی برای تربیت انسان، اصلاح جامعه و جهت دهی به حرکت تاریخی است.

خبر مهر